

## کتاب «فقه الامام موسی بن جعفر<sup>7</sup>» در یک نگاه

سیدمهدی نریمانی زمان آبادی<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۲/۷/۹ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱

### اشاره

در میان اهل سنت، از دیرباز مسند و موسوعه حدیثی افراد مختلف، مورد توجه بوده است؛ اما این نوع نگارش در میان شیعیان مغفول بوده است. البته چندی است پژوهشگران از این مسئله استقبال کرده و برای نمونه مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر<sup>7</sup> موسوعه‌های مختلفی از ائمه :گردآوری کرده‌اند؛ مانند موسوعه امام کاظم<sup>7</sup> در نه جلد، موسوعه امام رضا<sup>7</sup> در هشت جلد؛ موسوعه امام جواد<sup>7</sup> در دو جلد، موسوعه امام هادی<sup>7</sup> در چهار جلد و موسوعه امام حسن عسکری<sup>7</sup> در شش جلد. ممکن است در اینجا سؤالی به ذهن متبادر شود که با وجود موسوعه امام کاظم<sup>7</sup>، کتاب **فقه موسی بن جعفر** چه هدف و ضرورتی را دنبال کرده است. در پاسخ باید گفت: این موسوعه‌ها همه احادیث، اعم از فقهی و معارفی و کلامی و اخلاقی را گردآورده و مباحث تخصصی را ذیل هر حدیث مطرح نکرده‌اند؛ اما نویسندگان اثر نامبرده با استقصا در احادیث امام کاظم<sup>7</sup> ناباورانه بر ۱۷۰۰ حدیث فقهی از آن امام دست یافته و بر پایه آن یک دوره فقه استدلالی شیعه را با طرحی نوبه رشته تحریر درآورده است.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی مشهد.

## معرفی کتاب

به تازگی جلد اول و دوم کتاب *فقه الامام موسی بن جعفر*<sup>7</sup> نوشته حجة الاسلام والمسلمین سید محمدعلی خادمی صدر، توسط بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، به زیور طبع آراسته شده است. این اثر درسی دفتر، به رشته تحریر درآمده و همه این دفاتر تایپ شده است و مراحل پایانی ویرایش صوری را می گذراند.

این اثر یک دوره فقه استدلالی شیعه را به ترتیب ابواب کتاب *فقهی شرایع الاسلام* مطرح کرده است؛ البته تفاوت مهم این کتاب استدلالی با دیگر کتب استدلالی فقه شیعه در این است که مؤلف، فقط به مباحثی از فقه شیعه اشاره کرده است که حدیثی از امام موسی بن جعفر<sup>7</sup> درباره آن به دست ما رسیده باشد.

مؤلف در چند و چون شکل گیری این مجموعه می نویسد: «مدت طولانی بود که به دنبال عرضه فقه شیعه با سبکی نوین بودم و با افراد صاحب نظر فراوانی در این مورد صحبت کردم، تا به این نتیجه رسیدم که روایات فقهی امام کاظم<sup>7</sup> را جمع کنم تا این احادیث محور درس فقه طلاب قرار گیرد».

البته دلایل دیگری نیز برای این انتخاب می توان مطرح کرد، که عبارت اند از:

۱. برخلاف آنچه گمان می شود که امام کاظم<sup>7</sup> چون نزدیک به نیمی از مدت امامت را در زندان به سر برده است، ارتباطش با مردم قطع شده است؛ شواهد تاریخی وجود دارد که برخی اصحاب مانند ابوعمران موسی بن ابراهیم مروزی، احادیث فراوانی از امام کاظم<sup>7</sup> در زمان حبس ایشان نزد سندی بن شاهک شنیده و آن را در *مسند الإمام موسی بن جعفر*، گردآوری کرده است. ابوعمران به خاطر اینکه استاد فرزند سندی بن شاهک بود، می توانست در این دوران با امام<sup>7</sup> ارتباط برقرار کند و از محضر ایشان بهره ببرد.<sup>۱</sup>

۲. شروح کتب فقهی مانند *شرایع الاسلام*، *قواعد الاحکام*، *ارشاد الأذهان*، *تبصرة العوام*،

۱. بنگرید به: نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۴۰۷؛ شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۴۳، ح ۷۲۲.

*مختصر النافع واللمعة الدمشقية* آن قدر فراوان است، که شرح مجدد آن، کار نوینی نیست و خیلی تأثیرگذار نمی‌تواند باشد.

۳. جنبه فقهی امام کاظم <sup>7</sup> در میان شیعیان بسیار مخفی مانده است تا جایی که اکثر مردم گمان می‌کنند، ایشان احادیث فقهی زیادی ندارد، اما وقتی احادیث فقهی ایشان گردآوری شد، در عین ناباوری مشاهده کردیم که نزدیک به ۱۷۰۰ حدیث فقهی از ایشان به ما رسیده است.

۴. امام کاظم <sup>7</sup> پدر ولی نعمت ایرانیان، حضرت رضا <sup>7</sup> است و به نظر می‌رسد نگارش چنین کتابی، باعث احیا شدن یاد امام هفتم شیعیان است. اگرچه ظاهر نام کتاب، این‌گونه به ذهن متبادر می‌کند که کتاب باید مجموعه‌ای از احادیث فقهی امام کاظم <sup>7</sup> باشد، اما مؤلف محترم، به این مقدار بسنده نکرده، بلکه در این کتاب، مطالب فراوان دیگری مطرح کرده است که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد.

### منهج علمی و شیوه نگارش

**گام یکم:** در این قسمت، به متن کامل حدیث امام کاظم <sup>7</sup> در موضوع فقهی اشاره شده است. مؤلف در نقل این احادیث به نکات ذیل توجه ویژه داشته است:

(۱) احادیث بر اساس تبویب کتاب *شرایع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، نوشته نجم‌الدین جعفر بن حسن (م ۶۷۶ق)، مشهور به محقق حلی، تنظیم شده است.

(۲) متن حدیث از قدیم‌ترین منابع روایی نقل شده است و در صورت اختلاف نسخه، برای تکمیل متن حدیث، این اختلاف نسخه‌ها در پاورقی آمده است. برای نمونه اگر حدیثی در همه کتب اربعه ذکر شده باشد، مؤلف کتاب در متن، حدیث را از کتاب *الكافی* نقل کرده و اختلاف نسخ کتب *الفقیه*، *التهدیب* و *الاستبصار* به عنوان پاورقی ذکر شده است. بی‌گمان توجه به اختلاف نسخ، در مواردی باعث اختلاف در استنباط احکام شرعی می‌شود.

**گام دوم:** مؤلف پس از نقل کامل متن حدیث، به بررسی سند حدیث از دیدگاه

مجلسیین<sup>۱</sup> اشاره می‌کند. ایشان در این قسمت نیز به چند نکته توجه ویژه دارد:  
(۱) اگر سند حدیثی به شهادت یکی از دو مجلسی، صحیح باشد،<sup>۲</sup> مؤلف نیز حدیث را صحیح می‌شمارد.

(۲) در جایی که سند حدیث، ضعیف باشد، به علت ضعف آن اشاره می‌شود که به دلیل حضور فلان راوی که مذهبش مشکل دارد یا توثیق نشده یا تضعیف شده است، این حدیث نیز ضعیف است.

(۳) در مورد برخی راویان که در کتب رجالی به نام آنان اشاره‌ای نشده و توثیق خاصی درباره‌ی ایشان صادر نشده است، مؤلف با توثیقات عام کوشیده است به وثاقت یا عدم وثاقت آنان پی ببرد. برای مثال می‌توان به شرح حال این افراد اشاره کرد: عبدالله بن حسن، احمد بن محمد بن یحیی العطار، ابراهیم بن هاشم، محمد بن علی بن ماجیلویه.

(۴) مؤلف در مباحث رجالی، از مبانی برخی معاصران که محضر درسی ایشان را درک کرده است؛ مانند حضرات آیات سید موسی شبیری زنجانی و حسین وحید خراسانی، استفاده کرده است.

(۵) مؤلف در جلد نخست کتابش درباره مباحث مربوط به حجیت برخی کتب حدیثی، مانند *مسائل علی بن جعفر* و *مستدرکاتها* نوشته‌ی علی بن جعفر (مقرن ۳)، و *قرب الإسناد*، نوشته‌ی عبدالله بن جعفر حمیری (مقرن ۳)، به تفصیل وارد شده است و پس از تأیید صحت همه مطالب آن، در بقیه مجلدات کتاب، به سند حدیثی که از این کتب نقل شده باشد، اشاره نمی‌کند.

---

۱. مؤلف نظر این بزرگواران را از کتاب *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه* نوشته‌ی محمدتقی

مجلسی، و *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، نوشته‌ی محمدباقر مجلسی نقل می‌کند.

۲. خبر واحد نزد قداما تا عصر سید بن طاووس به دو قسم معتبر و غیرمعتبر تقسیم می‌شد. سید بن طاووس نخستین کسی است که احادیث نقل شده از معصوم<sup>۷</sup> را به چهار قسم صحیح، موثق، حسن و ضعیف تقسیم کرد.

۶) مؤلف در مواردی بر خلاف نظر مشهور رجالیان، با توجه به توانایی علمی ای که دارد، مبنای خاصی را مطرح کرده است.

**گام سوم:** در این بخش از نوشتار که با عنوان «بیان الحدیث» مطرح گردیده به نکات ذیل پرداخته شده است:

۱) به احادیث از امام کاظم<sup>7</sup> که علمای گذشته در کتب خود آنها را شرح کرده‌اند، اشاره شده است.

۲) واژگان دشواری که در متن حدیث آمده است، با استفاده از کتب لغت قدیم، ترجمه شده است.

**گام چهارم:** ویژگی مهم این بخش از نوشتار که با عنوان «فقه الحدیث» مطرح شده، این است که مؤلف فارغ از مفاد حدیث منقول از امام کاظم<sup>7</sup>، به فرع فقهی اشاره شده در حدیث می‌پردازد. ایشان در این قسمت به نکات ذیل، توجه دارد:

۱) اقوال مشهور فقها درباره فرع فقهی نقل می‌شود. البته برای جلوگیری از طولانی شدن متن‌های منقول، مؤلف سعی کرده است با حفظ امانت از لحاظ محتوا، کمی عبارات را به صورت خلاصه و فشرده‌تر مطرح کند. لذا در اکثر موارد محتوای سخن فقها مطرح شده و عین عبارت ایشان نیامده است.

۲) فتوا و نظر فقها به ترتیب قدمت نقل شده است؛ این بخش با ذکر نظر قدما آغاز می‌گردد، سپس به نظر متأخران و معاصران اشاره شده است.

۳) کیفیت استدلال به ادله ذیل مسئله فرعی فقهی، مطرح می‌گردد؛ خواه حدیث امام کاظم<sup>7</sup> باشد یا آیه قرآن یا حدیثی از معصوم دیگر و یا اجماع و عقل.

۴) اگر در مسئله چند دسته ادله مطرح شده باشد، وجه جمع‌های مطرح شده توسط فقها در ذیل آن احادیث بیان می‌گردد.

---

۱. برخی از این کتب عبارت‌اند از: *روضه المتقین* نوشته محمدتقی مجلسی؛ *مرآة العقول* و *بحار الانوار*، و *ملاذ الأخیار* نوشته محمدباقر مجلسی؛ *الوافی* نوشته فیض کاشانی؛ *منتقى الجمعان* نوشته حسن بن شهید ثانی.

۵) اگر در مسئله‌ای قول مشهوری در میان فقها وجود داشته باشد، پس از ذکر اقوال مختلف از قدما و متأخران، به قول مشهور نیز اشاره می‌شود.

۶) در برخی موارد که نیاز به تبیین فقه اهل سنت بوده است، به اقوال فقهای اهل سنت نیز اشاره می‌شود تا با توجه به فتاوی آنها، موافقت یا مخالفت احادیث با فتوای عامه روشن گردد.

۷) مؤلف در مواردی با توجه به توانایی علمی‌ای که دارد، در مباحث مختلف فقهی، نظر خود را مطرح می‌کند که ممکن است این اظهار نظر با تأیید قول یکی از فقها همراه باشد یا فتوایی باشد که در میان فقها مطرح نبوده است.

### یادآوری

در پایان توجه به نکات ذیل، خالی از لطف نیست:

۱) مؤلف تلاش کرده است در همه بخش‌ها منابع حدیثی و فقهی‌ای که در کتاب مطرح می‌کند دارای دو ویژگی مهم باشد: یکم: قدیم‌ترین منبع در آن زمینه باشد؛ دوم: آخرین تحقیق و چاپ صحیحی که از آن در بازار یافت می‌شود، به عنوان منبع بیان شود.

۲) احادیثی که در چند جای کتاب تکرار می‌شود، فقط یک بار شماره‌گذاری شده است؛ با این حال، نزدیک به ۱۷۰۰ حدیث فقهی از امام کاظم<sup>۷</sup> در این مجموعه گرد آمده است.

۳) مؤلف در برخی موارد با توجه به اینکه از محضر درسی علمای بزرگی بهره جسته، از نظرات ایشان نیز استفاده کرده است.

۴) گردآوری و تحقیق مجموع مجلدات این کتاب را یک نفر انجام داده است؛ اما این اثر توسط اساتید و بزرگانی از حوزه‌های مختلف قم، اصفهان و مشهد مورد بازبینی و دقت نظر قرار گرفته تا خروجی کار، ارزشمندتر و اثرگذارتر باشد.

۵) با توجه به پویایی فقه شیعه، بسیاری از اقوال فقهی در میان معاصران مطرح شده است که در میان فقهای گذشته سابقه نداشته است؛ اما مؤلف بیشتر به نقل اقوال

فقه‌های ادوار گذشته فقه شیعه اهتمام داشته و به ندرت از اقوال و تفاسیل فقه‌های معاصر بهره گرفته است.

۶) از آنجا که تقسیم‌بندی احادیث در ادوار متأخر شیعه، با ادوار متقدم آن تفاوت کرده است؛ بهتر بود مؤلف همه احادیث را مطابق تقسیم‌بندی‌های جدید علم رجال و درایة الحدیث مطرح می‌نمود نه اینکه به اقوال مجلسیین اکتفا شود. البته در موارد اندکی ایشان اسناد روایات را مطابق نظر رجالیون متأخر بررسی کرده است، اما مناسب بود همین شیوه در همه احادیث رعایت می‌شد.